

خبرخوان

طرح اصلاح قانون مهریه تصویب شد

مهر؛ در طرح اصلاح قانون محکومیت‌های مالی که کلیات آن روز گذشته در مجلس تصویب شد، سقفی برای تعداد مهریه تعیین نشده است. نمایندگان در جلسه علنی روز گذشته مجلس، با کلیات طرح اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون مدنی موافقت کردند. محمد سرگزی، رئیس کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس گفت: «این طرح ناظر بر موضوعات مختلفی است که در محکومیت‌های مالی مطرح می‌شود؛ از این‌رو محکومیت‌های مالی حقوق متعددی مانند دیه، خسارات‌های عمدی یا غیرعمدی، نفقه و مهریه دارد و مهریه یکی از مصادیق جزئی آن است».

او ادامه داد: «ما در این طرح آوردیم که درباره آن دسته از محکومیت‌های مالی که حبس دارد، قاضی از امکان استفاده از سامانه‌های نظارت الکترونیک برخوردار باشد، اما درخصوص آن دسته از محکومیت‌های مالی که در قبال دین، مالی را دریافت نکرده‌اند، مانند دیه و نفقه، فقط از سامانه‌های الکترونیکی استفاده شود و در نقطه‌ای تحت نظارت سامانه‌های الکترونیک خارج از زندان بماند». در ادامه محمدتقی نقدعلی در موافقت با کلیات این طرح گفت: «در این طرح هیچ بحثی درباره تعیین سقف مهریه مطرح نشده، بلکه موضوع اصلی میزان بر خورد کفیری و زندان است». همچنین الهام آزاد در موافقت با کلیات این طرح توضیح داد: «مخالفان این طرح به نادرستی تصور می‌کنند که قرار است سطح این طرح، سقف مهریه کاهش یابد؛ در حالی که دختران و پسران مجازند هرچقدر تمایل داشتند مهریه تعیین کرده و دریافت کنند و در هیچ ماده‌ای برای آن سقف تعیین نشده است».

هر ۱۲دانش‌آموز، یک ساعت مشاوره

ایسنا؛ معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش از توسعه خدمات مشاوره‌ای و پرورشی در مدارس خبر داد و گفت: «با جذب و سازماندهی بیشتر مربیان و مشاوران، سهم دانش‌آموزانی که از خدمات مشاوره‌ای بهره‌مند می‌شوند یک میلیون نفر افزایش یافته است. این در حالی است که ساعات ارائه خدمات مشاوره در هفته نیز بیش از ۸۰ هزار ساعت افزایش داشته است».

صادق حسین‌زاده ملکی با بیان اینکه با تلاش‌های انجام‌شده در یک سال گذشته علاوه بر سازمان‌های بهتر نیروها، جذب مربیان مشاور نیز انجام شده است، گفت: «سهم دانش‌آموزانی که می‌توانند از خدمات مشاوره در مدرسه استفاده کنند، یک میلیون نفر اضافه شده است». او با بیان اینکه به ازای هر ۱۲ دانش‌آموز باید حداقل یک ساعت مشاوره در مدرسه تأمین کنیم که از این لحاظ کسری داریم، افزود: «در سال تحصیلی گذشته ۴۰۳ هزار ساعت مشاوره در هفته به دانش‌آموزان کشور ارائه می‌شد، اما این عدد به ۴۸۴ هزار ساعت رسیده، یعنی بیش از ۸۰ هزار ساعت به خدمات مشاوره‌ای در سال تحصیلی جدید اضافه شده که این اتفاق خیلی مهمی است و با ادامه این روند، رسیدگی و پوشش خدمات مشاوره‌ای روز به روز به دانش‌آموزان افزایش می‌یابد». معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه با میزان مطلوب فاصله داریم اما به‌سرعت در حال کاهش فاصله هستیم، بیان داد: «۸۰ هزار ساعت یاب‌شده حدود یک میلیون دانش‌آموز را تحت پوشش قرار می‌دهد. همچنین در سال تحصیلی ۱۴۰۲ متوسط هر مربی پرورشی به دانش‌آموز به ازای هر ۵۱۲ دانش‌آموز یک مربی پرورشی بود که سال تحصیلی قبل‌تر از آن هزارو ۵۶ دانش‌آموز بود».

حسین‌زاده ملکی با بیان اینکه این عدد در سال ۱۴۰۳ حدود ۳۳۶ هزار و در سال تحصیلی ۱۴۰۴ به ۲۹۵ دانش‌آموز رسیده که اتفاق خیلی خوبی در حوزه مربیان پرورشی رقم خورده است، گفت: «تا پایان برنامه هفتم این عدد باید به هر ۱۵۰ دانش‌آموز حداقل یک مربی پرورشی برسد». او با بیان اینکه کارهای خوبی در حوزه سازماندهی مربیان و جذب و استفاده بیشتر از نیروهای آموزشی که ظرفیت کار پرورشی دارند انجام شده است، افزود: «در سال تحصیلی گذشته بیش از ۴۲ هزار مربی داشتیم و امسال این عدد به ۴۷ هزار نفر رسیده؛ همچنین در حوزه مشاور نیز تعداد نیروها از ۱۴هزارو ۸۸۰ نفر به ۱۸ هزار نفر افزایش یافته که البته هنوز هم با نیاز واقعی آموزش و پرورش فاصله داریم اما اتفاق بزرگی افتاده است».

فشارمراقبتی بر سرمداران دارای چندقلو

ایسنا؛ مدیرکل دفتر خانواده و بانوان سازمان بهزیستی کشور از اجرای طرح‌های حمایتی ویژه زنان باردار و مادران دارای فرزند شیرخوار خبر داد و گفت: «طرح حمایت از بهبود تغذیه خانواده‌های تحت پوشش با اولویت زنان باردار و مادران دارای فرزند شیرخواری از شیر مادر تغذیه می‌کنند، ازجمله برنامه‌های مهم سازمان بهزیستی در سال‌های گذشته بوده که امسال به شکل متفاوت و با تمرکز بر آموزش، مراقبت و حمایت مالی دوباره از سر گرفته شده است».

مریم خاک‌رنگین با اشاره به جزئیات این برنامه افزود: «در سال گذشته، هر خانوار مشمول این طرح پنج میلیون تومان کمک‌هزینه دریافت می‌کرد. امسال علاوه بر این ۱۴ میلیارد تومان سازمان در سال جاری، با همکاری صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA)، ۳.۵ میلیارد تومان دیگر به طرح تزریق شده که به خانواده‌های ساکن استان‌های تهران، الیز و گلستان پرداخت می‌شود». او علت انتخاب این استان‌ها را بالابودن آمار مادران باردار و دارای کودک شیرخوار در آنها اعلام کرد و گفت: «در کنار حمایت مالی، بخش آموزشی طرح نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. در همین راستا سامته آموزشی خانواده‌های دارای کارشناسان و مددکاران اجتماعی سازمان طراحی شده که محتوای آن بر آموزش‌های روانی-اجتماعی متمرکز است». خاک‌رنگین ادامه داد: «این آموزش‌ها قرار است مددکاران اجتماعی را در زمینه مراقبت از مادران باردار و دارای فرزند شیرخوار یاری دهد تا بتوانند خانواده‌های تحت پوشش را بهتر راهنمایی کنند».

او در ادامه با اشاره به وضعیت خانواده‌های دارای فرزند چندقلو تحت پوشش بهزیستی گفت: «مطالعات و بازدیدهای میدانی ما نشان می‌دهد خوشبختانه کودکان از نظر رشد جسمی نسبتاً وضعیت مناسبی دارند. اما در حوزه مهارت‌های شخصی، اجتماعی و ارتباطی و حل مسئله تاخیرهای بیشتری مشاهده می‌شود. بخشی از این مسئله از فقر محیطی زندگی کودکان ناشی می‌شود. این کودکان به دلایل فضاهای فیزیکی منازل و مشکلات خانواده‌ها برای استفاده از امکانات عمومی مانند پارک، مهدکودک و فضاهای بازی با محرومیت‌های محیطی بیشتری مواجه هستند».

او افزود: «در خانواده‌های چندفرزند، به‌ویژه خانواده‌های دارای فرزند چندقلو، فشار مراقبتی بسیار زیاد است و مادران در معرض فرسودگی ناشی از مراقبت هم‌زمان و مستمر چند فرزند قرار دارند. از سوی دیگر، بسیاری از پدران خانواده‌ها تا ساعات پایانی شب در محل کار حضور دارند و مادران به‌تنهایی بار مراقبت از فرزندان را به دوش می‌کشند. بخشی از خانواده‌های تحت پوشش ما نیز خانواده‌های مهاجر هستند که از حمایت خانواده گسترده بی‌بهره‌اند و این امر فشار روانی بیشتری بر مادر وارد می‌کند».

نقد ادعاهای کنترل بارش از منظر دانش پیچیدگی

بحران آب و خیال کنترل اقلیم

مسعود امیرزاده، پژوهشگر محیط زیست: این مقاله تلاش می‌کند نقدی بر ادعاهایی از جنس «کنترل بارش در مقیاس ملی» –مانند طرح‌های هدایت بخار آب خلیج فارس برای باران‌سازی در فلات مرکزی– ارائه کند؛ نه از منظر محاسبات انرژی و هزینه، بلکه از منظر دانش پیچیدگی. ادعاهای این چنینی معمولاً بر نوعی پارادایم مهندسی ساده‌ساز استوارند که تصور می‌کند فهم چند سازوکار موضعی برای کنترل کلیت سامانه‌ای عظیم مانند اقلیم کافی است. در مقابل، دانش پیچیدگی نشان می‌دهد اقلیم، سیاست، اقتصاد و فرهنگ، همه نمونه‌هایی از سامانه‌های پیچیده غیرخطی و حساس به شرایط اولیه هستند که رفتار آنها برآمده (مرجنت) است و نمی‌توان آنها را با منطق «لوله و پمپ و مخزن» مهندسی کرد. مقاله نشان می‌دهد چگونه بی‌اطلاعی از پارادایم پیچیدگی باعث می‌شود برخی متخصصان حوزه‌های کلاسیک، با تکیه بر تجربه خود در مقیاس‌های ساده، توهم کنترل جهان‌های پیچیده را به‌عنوان راه‌حل بجران‌ها بفروشند.

بحران واقعی، امیدهای خیال‌پردازانه

بحران آب در ایران واقعیتی انکارناپذیر است. خشک‌شدن رودخانه‌ها، فرونشست زمین، کاهش آب‌های زیرزمینی و مهاجرت زیست‌محیطی، همه نشانه‌های یک سامانه به‌شدت برهم‌خورده است. در چنین وضعیت ناامیدکننده‌ای، گفتارهایی ظاهر می‌شوند که وعده می‌دهند یا یک «اختراع» یا یک «ترقد مهندسی»، می‌توان کل اقلیم را «دوباره تنظیم» کرد؛ مثلاً با دستگاهی خاص در تمام ایران باران ساخت یا با تبخیر آب خلیج فارس و هدایت بخار روی زاگرس، فلات مرکزی را سیراب کرد. در نگاه اول، نقد این ادعاها معمولاً به زبان عدد و انرژی نوشته می‌شود: «این‌قدر انرژی لازم است، این‌قدر هزینه و این شرایط امکان تحقق وجود دارد». اما در اینجا قصد ما نقدی پارادایمی است؛ می‌خواهیم نشان دهیم که حتی اگر از عدد و انرژی صرف‌نظر کنیم، این‌گونه ادعاها با خود منطق دانش پیچیدگی ناسازگارند.

دانش پیچیدگی

از ماشین تا سامانه برآمده

دانش پیچیدگی (complexity science) تلاشی است برای فهم سامانه‌های که؛ از تعداد زیادی جزء، متعامل تشکیل شده‌اند، روابط میان اجزا غیرخطی است، رفتار کلی سامانه را نمی‌توان با جمع‌زدن رفتار تک‌تک اجزا توضیح داد، بسیاری از ویژگی‌ها برآمده (Emergent) هستند، یعنی از دل تعامل اجزا پدید می‌آیند، نه از یک «طراحی مرکزی»، سامانه‌ها اغلب حساس به شرایط اولیه هستند (اثر پروانه‌ای) و مرز پیش‌بینی‌پذیری در آنها محدود است. مثال‌های کلاسیک این حوزه عبارت‌اند از: اقلیم و هوا، اقتصاد کلان، رفتار بازارهای مالی، اکوسیستم‌ها، فرهنگ و افکار عمومی، شبکه‌های اجتماعی و بسیاری از پدیده‌های زیستی. در مقابل مهندسی کلاسیک معمولاً با سامانه‌هایی سروکار دارد که؛ تعداد متغیرهای مؤثر محدود است، می‌توان آنها را در بازه‌ای مناسب تقریباً خطی در نظر گرفت، به‌خوبی مدل‌پذیر و قابل شبیه‌سازی‌اند و نسبت بین ورودی و خروجی، حداقل در محدوده‌ای، پیش‌بینی‌پذیر و کنترل‌پذیر هستند. مشکل از آنجا آغاز می‌شود که تجربه موفق مهندسی کلاسیک در این سامانه‌های ساده‌تر، به‌طور ناگایانه به جهان سامانه‌های پیچیده تعمیم داده می‌شود؛ جهانی که قواعد بازی در آن اساساً متفاوت است.

تفاوت بنیادی دو پارادایم کنترل‌پذیری در مقابل پیچیدگی:

● **پارادایم کنترل‌پذیری:** در پارادایم مهندسی کنترل‌پذیر، این فرض‌های پنهان عمل می‌کنند:
۱- سامانه را می‌توان به تعداد محدودی متغیر مهم فروکاست؛ ۲- روابط میان این متغیرها را می‌توان به‌قدر کافی شناخت؛ ۳- اگر به ورودی‌های مناسب دسترسی داشته باشیم، می‌توانیم خروجی دلخواه را طراحی و تنظیم کنیم؛ ۴- وجود یک «اتاق فرمان مرکزی» مفروض است که سامانه را از بیرون می‌بیند و هدایت می‌کند. این پارادایم در طراحی لوله، سد، کارخانه، هواپیما و... کار می‌کند. مشکل از جایی شروع می‌شود که همین منطق، بدون آگاهی از محدودیت‌هایش، به اقلیم، اقتصاد و جامعه تعمیم داده می‌شود.

● **پارادایم پیچیدگی:** در این پارادایم، فرض‌های دیگری برجسته‌اند:
۱- تعداد اجزا و روابط آنها آن‌قدر زیاد است که هیچ ناظر مرکزی نمی‌تواند همه چیز را به‌طور دقیق بداند؛ ۲- روابط غیرخطی و حلقه‌های بازخوردی متعدد وجود دارد؛ ۳- سامانه می‌تواند به واسطه تعامل داخلی اجزا، حالت‌هایی برآمده تولید کند که از قبل طراحی نشده‌اند؛ ۴- کوچک‌ترین تغییر در شرایط اولیه می‌تواند در طول زمان، پیامدهای بسیار متفاوتی ایجاد کند؛ ۵- بنابراین، پیش‌بینی بلندمدت و کنترل دقیق در این سامانه‌ها ذاتاً محدود است.

در این نگاه، ما به‌جای «مهندسی از بالا»، بیشتر به تنظیم قواعد محلی، تقویت تاب‌آوری و پذیرش عدم قطعیت فکر می‌کنیم.

اقلیم و بارش به مثابه سامانه پیچیده

اقلیم و سامانه جوی نمونه روشن یک سامانه پیچیده غیرخطی است. ● رفتار آن حاصل تعامل چندین لایه جو، اقیانوس‌ها، سطح زمین، یخ‌ها، پوشش گیاهی و فعالیت انسانی است؛ ● الگوهای گردش عمومی جو (jet streams)، سامانه‌های پرفشار و کم‌فشار، موسمی‌ها و... در مقیاس سیاره‌ای با هم گره خورده‌اند؛ ● مدل‌های هواشناسی حرفه‌ای با وجود همه پیشرفت‌ها، همچنان محدودیت جدی در افق پیش‌بینی و دقت محلی دارند.

پدیده‌ای مثل «اثر پروانه‌ای» در همین زمینه به اندازه کافی مشهور است. تغییرات کوچک در یک نقطه می‌تواند در روندی غیر خطی، به تغییرات بزرگ در جای دیگر منجر شود. در چنین سامانه‌ای، ادعای اینکه «ما می‌توانیم مقدار زیادی بخار به جو تزریق کنیم و بعد آن را به شکل برنامه‌ریزی‌شده روی یک رشته‌کوه یا یک منطقه خاص بنشانیم» در واقع ادعای این است که «در سامانه‌ای با میلیون‌ها درجه آزادی و حساسیت شدید به شرایط اولیه، می‌توانیم مثل یک لوله، ورودی را تنظیم کنیم و خروجی

دلخواه بگیریم». این، دقیقاً نادیده‌گرفتن پارادایم پیچیدگی است و نشان می‌دهد مدعی (در اینجا دکتر همایون ویستامهر) هیچ آشنایی‌ای با دیسیپلین پیچیدگی ندارد.

خطای تقلیل‌گرایی: از آزمایشگاه تا اقلیم

بخش بزرگی از سوففهم اینجا رخ می‌دهد که:

۱- در مقیاس آزمایشگاهی یا صنعتی کوچک، ما می‌توانیم چرخه آب را دستکاری کنیم؛ در یک برج تبخیر، در یک گلخانه، در یک محفظه کنترل‌شده، ۲- این تجربه واقعی و ملموس، یک حس قدرت و توانایی ایجاد می‌کند: «من می‌دانم بخار چگونه شکل می‌گیرد و چگونه میعان می‌کند، پس...» ۳- سپس، بدون توجه به تفاوت عظیم مقیاس و ساختار، همان شهود مهندسی به اقلیم تعمیم داده می‌شود: «اگر اینجا توانستیم، آنجا هم می‌توانم؛ فقط در ابعاد بزرگ‌تر» این همان چیزی است که می‌توان آن را «تقلیل‌گرایی گول‌زننده» نامید؛ دانستن چند جزء و چند رابطه موضعی با دانستن کل رفتار برآمده سامانه پیچیده اشتباه گرفته می‌شود.

در زبان پیچیدگی ما می‌گوییم: «شما شاید میکروفیزیک را تا حدی می‌شناسید، اما ماکروپدیده برآمده الزاماً از آن قابل‌کنترل نیست».

چرا برخی متخصصان کلاسیک احساس می‌کنند قلمرو پیچیدگی را پوشش داده‌اند؟ «برخی دانشمندان یا متخصصان این حوزه‌ها، با خواشش پیچیدگی آشنا نیستند و گمان می‌کنند دانش خودشان از ترمودینامیک، مکانیک سیالات، کنترل و... خودبه‌خود قلمرو پیچیدگی را هم پوشش داده است». دلایل این سوءبرداشت می‌تواند چنین باشد: ۱- تجربه موفق در اشل کوچک؛ وقتی کسی سال‌ها در مقیاس سد، جاه، خط لوله یا شبکه توزیع کار کرده، شهود مهندسی‌اش در آن سطح بسیار قوی است؛ به‌سختی می‌پذیرد که همان شهود در اشل اقلیم با جامعه دیگر کار نکند. ۲- ابهام‌واژه «پیچیدگی»: بسیاری «پیچیدگی» را صرفاً به معنای «خطی» سخت و خطی متغیر» می‌فهمند، نه به‌عنوان یک پارادایم نظری با مفاهیم مشخص مانند: nonlinearity, emergence, self-organization, sensitivity to initial conditions و... .

۳- جای خالی زبان مشترک بین علوم مهندسی و علوم پیچیدگی: در برنامه‌های آموزشی کلاسیک مهندسی، مقدار کمی از این مباحث مطرح می‌شود. نتیجه این است که مهندس، با اعتماد‌به‌نفس ناشی از تسلط بر ریاضی و فیزیک، به‌طور طبیعی تصور می‌کند هرچه هست، زیر چتر همین دانش قرار می‌گیرد. در چنین بستری است که ادعاهای مهندسی‌کردن اقلیم با جامعه، برای خود گولبنده نیز «طبیعی و علمی» به نظر می‌رسد، درحالی‌که از منظر پیچیدگی، بنیان معرفت‌شناختی آنها سست است.

تعمیم‌نقد از اقلیم به سیاست، اقتصاد و فرهنگ

همان الگوی پارادایمی را می‌توان در حوزه‌های دیگر نیز دید: ● سیاست، تصور اینکه می‌توان با طراحی یک معماری رسمی قدرت و چند ابزار کنترلی، رفتار یک جامعه چندملیونی را درآمدت مهندسی کرد، درحالی‌که جامعه یک سامانه پیچیده خودسازمان‌ده است. ● اقتصاد، تصمیم‌گیری‌که براساس مدل‌های ساده، نرخ ارز، نرخ بهره یا نقدینگی را دستکاری می‌کنند و انتظار دارند خروجی دقیقاً مطابق نمودارهای کلاس درس باشد، درحالی‌که بازارها، شبکه‌ای از انتظارات، ترس‌ها، طمع‌ها و ساختارهای غیررسمی‌اند. ● فرهنگ و کنترل اجتماعی: سیاست‌هایی که می‌پندارند با کنترل رسانه و نظام آموزشی، فرهنگ جمعی را می‌توان به شکل خطی و قابل برنامه‌ریزی هدایت کرد، درحالی‌که فرهنگ برآیند میلیون‌ها کنش خرد و برهم‌کنش شبکه‌های متنوع است. در تمام این موارد، یک خطای مشترک وجود دارد: ناتوانی در تشخیص اینکه «ما از قلمرو سامانه‌های مهندسی‌شده، به قلمرو سامانه‌های پیچیده برآمده پا گذاشته‌ایم».

جمع‌بندی: نقد ادعاهای کنترل بارش، به مثابه نقد یک توهم معرفت‌شناختی

با این دستگاه مفهومی، حالا می‌توانیم نقد را خلاصه کنیم:

۱- اقلیم و سامانه بارش، در پارادایم پیچیدگی، یک سامانه غیرخطی، حساس به شرایط اولیه و برآمده است؛ نه یک ماشین ساده که بتوان آن را با جند متغیر و یک «دستگاه» کنترل کرد.
۲- ادعاهایی از جنس «می‌توانیم بخار را از خلیج فارس برداریم و دقیقاً روی زاگرس بنشانیم»، قبل از آنکه از نظر عدد و انرژی مسئله‌دار باشند، از نظر فهم نادرست از ماهیت سامانه دچار مشکل‌اند.
۱- متخصصانی که با پارادایم پیچیدگی آشنا نیستند، تجربه خود در اشل‌های ساده‌تر را ناگایانه به اشل‌های عظیم و برآمده تعمیم می‌دهند؛ این همان تقلیل‌گرایی گول‌زننده است.
نقد ما به این ادعاها، نقد یک فرد خاص نیست، بلکه نقد یک سبک اندیشیدن به جهان است؛ سبکی که در اقلیم، سیاست، اقتصاد و فرهنگ تکرار می‌شود و در لحظات بحران، به شکل «وعده‌های نجات‌بخش تکنولوژیک» ظاهر می‌شود.
بدیل این پارادایم، نه نفی علم و تکنولوژی، بلکه فروتنی در برابر پیچیدگی است. پذیرش اینکه در سامانه‌های پیچیده، به‌جای توهم کنترل کامل، باید به سمت مدیریت ریسک، تاب‌آوری، اصلاحات ساختاری و سازگاری تدریجی حرکت کرد.

در حقیقت، ادعای دکتر همایون ویستامهر، مبنی بر اینکه می‌توانیم آب خلیج فارس را برداریم و با تبخیر آن سامانه‌های بارشی روی زاگرس ایجاد کنیم، مشابه ادعای کسی است که در آزمایشگاه می‌سازد چند ملکول پروتئین پیچیده بسازد و تصور می‌کند که می‌تواند حیات را با تمام تنوع گونه‌ای آن در فرایندهای فرگشتی میلیون‌ها ساله بازسازی کند. این تشبیه به‌خوبی نشان می‌دهد که درک بخشی از یک فرایند پیچیده (مثلاً تولید پروتئین با تبخیر آب) نمی‌تواند به این معنا باشد که می‌توان کل سیستم برآمده‌ای که از آن فرایند به‌وجود آمده است (مثل حیات با اقلیم) را کنترل کرد. همان‌طور که ساخت یک پروتئین نمی‌تواند به معنای ایجاد حیات با همه مسیر پیچیدگی‌های فرگشتی آن باشد، تبخیر بخشی از درآ دنیا نیز نمی‌تواند به‌طور خودکار منجر به کنترل بارش در مقیاس ملی شود. در هر دو مورد، درک فرایندهای کوچک و محلی کافی نیست برای فهم و کنترل کل سیستم پیچیده‌ای که در مقیاس بزرگ‌تر پدید می‌آید.

هشدار درباره مرگ خاموش درختان تهران

دارد. نویسندگان خواستار محدودکردن پیاده‌راه به حداقل ممکن، جلوگیری از سیمانی‌کردن سطوح و حفظ کامل فضای سبز میدان شده‌اند. در بخش سوم، ادامه اجرای توافقات مربوط به خیابان ولیعصر یادآوری شده است. براساس این توافق، مقرم بوده است که تخریب جوی‌ها و تعویض جدول از محدوده تجریش تا پارکوی متوقف و طرح احیای اکولوژیک بستر درختان چنار اجرا شود. گروه یادآور شده که این توافق در مرداد و شهریور ۱۴۰۴ با حضور معاونان شهرداری و سازمان بوستان‌ها صورت گرفته و باید به‌طور کامل اجرا شود. در بخش دیگری از این نامه، نسبت به گسترش سنگفرش و جدول‌سازی در رفوزها، پارک‌ها و حاشیه خیابان‌ها هشدار داده شده است. نویسندگان تأکید کرده‌اند که باید مصوبه‌ای برای توقف سیمانی‌کردن فضاهای سبز تصویب شود؛ چراکه سطوح نفوذپذیر و خاکی، جزئی بنیادین از اکوسیستم شهری هستند. به گفته گروه درختان و فضای سبز، پیامدهای این روند از بین رفتن نفوذ آب و هوا در خاک و خشک‌شدن درختان، افزایش درجه حرارت و شکل‌گیری جزایر گرمایی، تخریب آرامش بصری و روانی شهروندان و تشدید فرونشست زمین در دشت تهران است. در این نامه از خشک‌شدن چنارهای خیابان‌های ولیعصر، فلسطین، شریعتی و باغ فردوس به‌عنوان نمونه‌هایی از خسارت‌های ناشی از سنگفرش‌های غیراصولی یاد شده است. نویسندگان نامه از شورای شهر خواست‌اند مصوبه سال ۱۳۹۰ درباره ممنوعیت ساخت‌وساز در بوستان‌ها را اصلاح و تقویت کند. آنان نوشته‌اند: فضای پارک‌ها به‌طور مکرر برای امیدوار بود.

سلامت

۴۷میلیون دلار خسارت روزانه آلودگی هوا

معاون بهداشت وزارت بهداشت گفت: «برآوردهای انجام‌شده نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۳ حدود ۵۸ هزارو ۹۷۵ مورد مرگ در کشور منتسب به مواجهه با ذرات معلق کمتر از ۲.۵ میکرون بوده که معادل ۱۶۱ مرگ در روز و حدود هفت مرگ در هر ساعت است». علیرضا رئیسی افزود: «در راستای اجرای ماده ۲۲ آیین‌نامه فنی موضوع ماده ۴ قانون هوای پاک، وزارت بهداشت همه‌ساله تخمین هزینه‌های مستقیم آلودگی هوا دربراره بیماری‌ها و مرگ‌ومیرهای منتسب به آن را به تفکیک آلاینده‌های معیار و شهرهای دارای اولویت کشور منتشر می‌کند».

او افزود: «مرکز سلامت محیط و کار معاونت بهداشت، هرساله این گزارش را تدوین می‌کند و گزارش امسال وجه تمایزهایی نسبت به سال‌های قبل دارد. این تفاوت‌ها شامل ارزیابی وضعیت ایستگاه‌های پایش کیفیت هوا در سراسر کشور، تحلیل داده‌های شش آلاینده اصلی هوا (PM۱۰، PM۲.۵، CO، O۳، NO۲ و SO۲)، محاسبه غلظت‌های وزن‌دهی‌شده با جمعیت، برآورد درصد جمعیت در معرض سطوح مختلف آلودگی و مدل‌سازی غلظت در مناطق فاقد ایستگاه پایش است». معاون وزیر بهداشت تأکید کرد: «براساس این گزارش، میانگین روزانه غلظت ذرات کمتر از ۲.۵

میکرون در کلان‌شهرهای کشور به‌مراتب بالاتر از حدود مجاز سازمان جهانی بهداشت است». رئیسی ادامه داد: «سال گذشته کلان‌شهرهای تهران، اصفهان، کرج، مشهد، اهواز، تبریز، اراک، کرمانشاه، قم و یزد به ترتیب در ۳۵۰، ۳۴۸، ۳۴۵، ۳۳۵، ۳۳۲، ۱۸۹، ۳۵۱، ۱۹۳، ۲۶۸ و ۱۶۳ روز از سال، غلظتی بالاتر از مقدار رهنمود ۲۴ساعته سازمان جهانی بهداشت یعنی ۱۵ میکروگرم در مترمکعب را تجربه کرده‌اند. در مقایسه با استاندارد ملی ۲۴ساعته نیز این شهرها به ترتیب از ۱۱۳ تا ۲۰۰ روز از سال از حد مجاز فراتر بوده‌اند». او با بیان اینکه کمترین غلظت میانگین سالانه ذرات کمتر از ۲.۵ میکرون در ایستگاه‌های اسفراین، شاهرود، سمنندج (پارک دیدگاه) و رشت با مقادیری بین شش تا ۱۰ میکروگرم بر مترمکعب ثبت شده است، افزود: «این میزان غلظت، پایین‌تر از استاندارد ملی (۱۲ µg/m³) بوده اما همچنان بالاتر از رهنمود سازمان جهانی بهداشت (۵ µg/m³) است. بیشترین غلظت‌ها نیز در شهرهای رامهرمز (۵۴)، بهبهان (۵۲)، هندیجان (۵۲)، اهواز-حفری (۴۷)، قرچک (۴۸)، باقرشهر (۴۶)، منطقه ۱۹ تهران و شهرری (۴۵) که چهار تا ۹ برابر رهنمود سازمان جهانی بهداشت است، او با بیان اینکه خسارات اقتصادی ناشی از مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا در سال ۱۴۰۳ را حدود ۱۷.۲ میلیارد دلار برآورد شده است، افزود: «این خسارت معادل ۴۷ میلیون دلار در روز یا حدود یک هزارو ۳۹۴ همت با احتساب نرخ ارز نیمایی از مرکز مبادله ارز و طلاست».

تعیین تکلیف بیش از ۴۳۰هزار برونده‌رتبه‌بندی

رئیس مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی و امور اداری وزارت آموزش و پرورش از فراهم‌شدن زمینه ارتقای رتبه برای معلمان مدارس محروم، روستایی، عشایری و استثنائی از ابتدای سال تحصیلی جاری خبر داد. علی باقرزاده، افزود: «در یک سال گذشته، بیش از ۴۳۰ هزار برونده رتبه‌بندی معلمان در سراسر کشور تعیین‌تکلیف و بسیاری از ابهامات و موانع قانونی در این زمینه برطرف شده است». او افزود: «با اقدامات انجام‌شده، امکان اجرای کامل آیین‌نامه رتبه‌بندی برای همه فرهنگیان اعم از آموزشی و اداری فراهم شده و اکنون هیچ محدودیت قانونی یا مالی برای صدور احکام وجود ندارد». باقرزاده همچنین از فراهم‌شدن زمینه ارتقای رتبه برای معلمان مدارس محروم، روستایی، عشایری و استثنائی از ابتدای سال تحصیلی جاری خبر داد. مشاور وزیر آموزش و پرورش در ادامه با اشاره به حجم گسترده فعالیت‌های انجام‌شده در حوزه منابع انسانی گفت: «در سال گذشته بیش از ۱۳۵ هزار متقاضی نقل و انتقال فرهنگیان مورد بررسی قرار گرفت که از این تعداد حدود ۸۵ هزار نفر جابه‌جا شدند و صدور احکام و برقراری حقوق آنها در استان‌ها و شهرستان‌ها انجام شد».